

یک سند از جامعه‌شناختی ایلات و طوایف لرستان (گزارشی از منطقه‌ی طرهان، ۱۳۲۵ ش.)

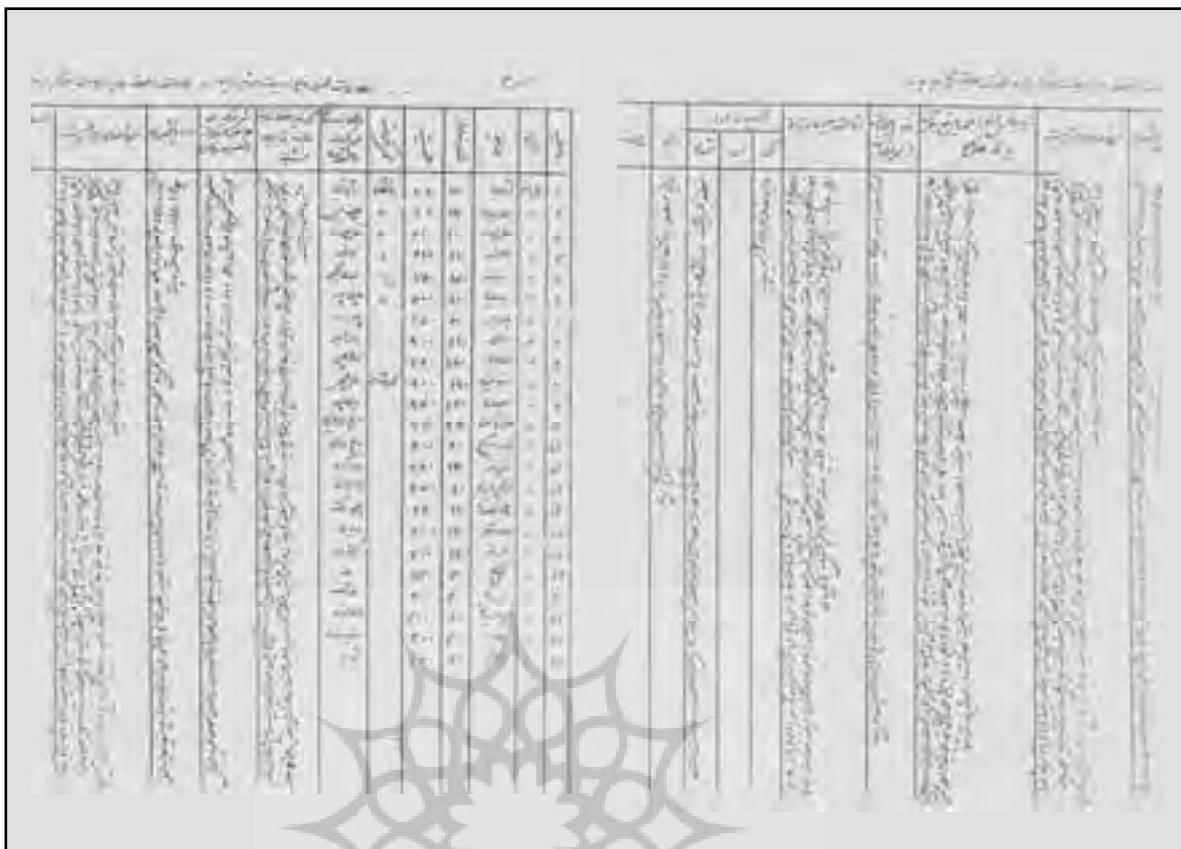
تمهید

مباحث تاریخ محلی ایران و جامعه‌شناسی ایلات و عشایر آن، مقوله‌ای است که در ادوار مختلف تاریخی، به‌خصوص در صحنه‌های تاریخ معاصر ایران، حوادث گوناگونی را پشت سر گذارده است و در این میان، اسناد تاریخی و گزارش‌های دیوانی و دولتی کارگزاران محلی اعتبار و سندیت بیشتری به زندگانی همه‌جانبه‌ی ایلات و طوایف ایران بزرگ، داده است و بی‌تردید آسیب‌شناسی وقایع، منابع مرجع و مآخذ معتبر، جز در سایه‌ی اسنادی که لحظه‌به‌لحظه روزمره‌گی تمامی پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی و رجال‌شناسی تاریخ ملی و محلی ایران را در خود منعکس ساخته است، به سرانجام مقصود نایل نخواهد شد. سخن این‌جاست که حتی اهمیت اسناد تاریخی به‌منزله‌ی میزان و ترازی است که صحت و سقم مطالب سایر منابع را نیز مستند و یا رد و قبول می‌کند و قدر مسلم اسناد تاریخی و دیوانی نسبت به نسخ خطی، سفرنامه‌ها، خاطره‌نویسی، تاریخ شفاهی، جراید قدیمی و غیره در تاریخ‌نگاری ملی و میهنی ما ارجحیت و سندیت بیشتری داراست. با این وصف، رونق پژوهش‌های اسنادی و سندپژوهی در فرایند پردازش‌های تاریخ اجتماعی و اقلیمی ایران می‌تواند کمک شایان توجهی به کلیت تاریخ ملی و ایران‌شناسی این سرزمین سترگ و والاتبار بنماید.

برای نمونه، در این مجال به معرفی یک سند آرشیوی از اسناد مهم و تاریخی منطقه‌ی لرستان پرداخته‌ایم. این سند علاوه بر این که وضعیت معیشت و جوانب اقتصادی و فرهنگی زندگانی ایلات و طوایف لرستان را به‌نحوی از انحاء در خود نمایان ساخته است، اما از منظری دیگر، تکیه‌گاه معتبری در شناخت عشایر و زیرشاخه‌های ایلی آن‌ها در عصر پهلوی اول و دوم بوده است که در زیست‌گاه‌های مشخصی از خطه‌ی لرستان به سر می‌برده‌اند. حال نام و نگاه آن‌ها به اوضاع پیرامون خود

چگونه بوده و به مرور زمان و در گستره‌ی تحولات اجتماعی - سیاسی تاریخ ایران حکمرانان لرستان با ریش‌سفیدان و رعایای ستم‌دیده چه رفتار و کرداری داشته‌اند و چه وقایع ریزودرشتی بر آنان رقم خورده است؛ خود حدیث مفصلی است که فعلاً فرصت پرداختن به آن نیست. برای مثال، این سند تابلوی تأسف بار و حزن‌انگیزی است از فقر و گرسنگی و بیماری، بهداشت نامناسب، عدم امکانات اولیه‌ی زندگی و فقر فرهنگی ایلات و طوایف لرستان حکایت دارد که پس از پشت سر گذاردن یک دهه هجوم نابهنگام نظامیان رضاخانی (۱۳۰۲ - ۱۳۱۲ش) و بعد از رویارویی با تحولات سیاسی و نابه‌سامانی‌های واقعه‌ی شهریور ۱۳۲۰ش. بر عشایر لرستانی و به‌خصوص منطقه‌ی طرهان تحمیل شده است.^۱

نام و نشان ایلات و طوایف، تعداد خانوار، جمعیت، محل سکونت، مشاغل، نوع کشاورزی، خوردوخوراک و نوع لباس پوشیدن آنان و مسائلی از این دست محتوای این سند تاریخی است که بالنسبه تمامی شاخصه‌های جامعه‌شناختی ایلی منطقه‌ی طرهان لرستان را جزء‌شناسی و موشکافانه بیان نموده است و به احتمال قریب به یقین، در هیچ جای و در هیچ مرجع غیرسندی بدان گونه که شایسته و بایسته است، پیدا و آشکار نمی‌شود؛ مگر آن‌که باز هم اسناد مکمل دیگری در این زمینه کشف و به منصفی ظهور برسد. در اصل، این سند گزارشی است از سروان خضایی فرمانده‌ی ژاندارمری وقت لرستان که درباره‌ی اصلاح وضع فرهنگ ایلات و عشایر منطقه‌ی طرهان به سال ۱۳۲۵ ش. برای این مرکز ارسال داشته است و واقعیت‌های اسفبار و در عین حال ساده‌زیستی و با دست خالی زندگی کردن طوایف طرهان را به‌خوبی ترسیم و به تصویر کشیده است. آن هم سرزمنی که در کلیت اقلیم‌شناسی ایران، روزی روزگاری برای خود صاحب تمدن و پیشینه‌ای پررونق بوده است.^۲



منطقه‌ی طرهان

طرهان بخش وسیعی است که در غرب لرستان واقع شده است. از شمال، غرب و جنوب محدود است به رود صیمره، از مشرق به بخش چگنی و از جنوب به رود کشکان (kaško) مساحت آن به‌طور تقریبی یک‌صد و چهل کیلومتر مربع است.^۲ نام طرهان از زمان‌های پیش در کتب و منابع مهم بیان شده است. چنان که ابودلف مسعربن لهلهل خزرچی، شاعر و جهانگرد عرب در سفر خود به سال ۳۴۱ ق. از این منطقه عبور کرده و در سفرنامه‌اش از آن نام برده است. وی می‌نویسد: «صیمره شهر زیبایی است که در آن درختان خرما و زیتون و گردو، برف و میوه‌جات کوهستان و دشت با هم دیده می‌شوند. میان صیمره و طرهان پل بزرگ زیبا و عجیبی برپا می‌باشد که در برابر پل خانقین^۳ است.»^۴

قدر مسلم ناحیه‌ی طرهان پیش از غلبه‌ی عرب، آباد و طبق شواهد موجود و مدارک تاریخی، این منطقه، قبل از اسلام و تا قرون اولیه‌ی اسلامی از مراکز مهم تمدن به شمار می‌رفته است. البته با این که از خرابی‌ها و وضعیت این منطقه اطلاع کافی در دست نیست؛ ولی آثار به‌جای‌مانده نشان می‌دهد که بعد از اسلام نیز طرهان منطقه‌ای پررونق بوده و دهکده‌های فراوان داشته است. برای تأیید این مطلب، حمدالله مستوفی در کتاب ارزشمند خود نزهت‌القلوب نام چند شهر را آورده که دو شهر آن جزو طرهان قرن هفتم و هشتم هجری بوده

است. او می‌نویسد: «سمسا ولایتی است از جانب مانرود (مایرود)، سی پاره دیه است و در او قلعه است دزسیاه خوانند.»^۶

اکنون سمسا محل شناخته‌شده‌ای نیست، ولی «مانرود» که همان «مادیانرود» است، جنوب کوهدشت مرکز بخش طرهان به همین نام باقی و ضبط شده است. بارون دوبد، سیاح روسی، نیز در سفرنامه‌ی خود از دره‌ی وسیع مادیانرو یا مادیانرود، که در کوهدشت واقع شده، یاد کرده است.^۷ کوه چنگری و قلعه‌ی مشهوری به همین نام که زادگاه شجاع‌الدین خورشید، سرسلسله‌ی اتابکان لر کوچک بوده است^۸ و در منابع معتبری نیز ثبت و ضبط است، در شمال خاوری، کوهدشت مرکز بخش طرهان واقع شده است.^۹ یاقوت حموی نیز در معجم‌البلدان، در مبحث منطقه‌ی جبال، درباره‌ی پلی عظیم که بین طرهان و منطقه‌ی صیمره وجود دارد، سخن رانده و در بسیاری از کتاب‌های قدما اسامی کوهدشت، کورشت و طرهان دیده می‌شود.^{۱۰} به‌طور کلی طرهان از بخش کوهدشت و رومشکان و طرهان [و کونانی] تشکیل شده است که در کتاب‌های مورخان و جغرافیایانویسان قرن‌های هشتم تا دوازدهم هجری، گاهی به نام کورشت و کوهدشت^{۱۱} نیز برمی‌خوریم. صاحب کتاب تاریخ گزیده از کورست که در لرستان قرار دارد، نام می‌برد و مسعودی نیز در کتاب التنبیه‌الاشراف از کوهدشت به‌عنوان کورشت که جزو منطقه‌ی مهرجان‌گان بوده است، یاد می‌کند و آن را شهری خرابه از شهرهای صیمره می‌داند.^{۱۲}

اهمیت این منطقه بیشتر از آن است که آثار زیرخاکی آن نشان‌دهنده‌ی

اهمیت این منطقه بیشتر از آن است که آثار زیرخاکی آن نشان‌دهنده‌ی دوران اعتلای هنر ایرانی در دوره‌ی عیلامیان، کاسیت‌ها، آشوری‌ها و ساسانیان است

فراوان دارد.^{۲۶}

در گزارش حوزه‌ی حکومتی بروجرد و لرستان به وزارت داخله، که احصائیه‌ی ایلات را دربردارد، ضمن معرفی طوایف طرهان، شامل: امرایی، سوری، گراوند، رماوند، آدینه‌وند، کرونی (کونانی)، زرونی (زرانی)، کوشکی، گرمه‌ئی، سراوند [سهراب‌وند]، رومیانی، چواری، بوالی، کمالوند و اولادقباد آمده است: «رئیس این طوایف علی محمد خان امیراعظم (فرزند ارشد نظرعلی خان امرایی) است که درواقع، بر تمامی خوانین و طوایف پیشکوه لرستان تقدم دارد... و برخلاف سایر خوانین و طوایف لرستان، که هرکدام در حدود خود از بردن اموال مردم خودداری نکردند، ایشان و طوایف تابعه‌شان پیرامون خطا و خلافی نشده‌اند».^{۲۷}

به‌طور کلی طوایف طرهان شیعه‌مذهبند و از اواسط حکومت رضاشاه نیز به تخته‌قاپو شدن روی آوردند. آنان از راه کشاورزی و تربیت احشام و اغنام که بدان علاقه‌مند باشند، امرار معاش می‌کنند. بیلاق این طوایف کونانی و قشلاق آنان صیمره می‌باشد. گلیم و جاجیم نیز می‌یافتند.^{۲۸} کلیه‌ی طوایف طرهان به دو لهجه‌ی لری و لکی تکلم می‌کنند که البته در گذشته، تفاوت این لهجه‌ها اختلافات نژادی و ایجاد دو صف جداگانه از این مردم را به دنبال داشته است.^{۲۹}

طبق بررسی‌های علمی و تاریخی، ایلات و طوایف منطقه‌ی طرهان، در دهه‌های اخیر دستخوش تغییرات و پراکندگی خاص جغرافیایی شده‌اند. بر این اساس، مورخین معتقدند که در گذشته طرهان به‌لحاظ سکنه، منطقه‌ی فعال و پررونقی بوده است که به مرور زمان جمعیت آن رو به کاستی گذارده است. کم‌فروغ شدن نظرعلی خان امرایی، رئیس امرایی‌ها، در سال‌های پرهرج‌ومرج لرستان (مابین سال‌های ۱۳۰۲ - ۱۳۱۲ش.) و موضوع ملخ‌خواری و سیل همه‌ساله و بی‌حدوحصر ملخ به این منطقه، سبب شد که بسیاری از اهالی طرهان از سرزمین خود متواری و عمدتاً در منطقه‌ی پشتکوه و بعضی نیز در هلیلان به سر برند.^{۳۰}

به هرحال، طرهان به عنوان یک منطقه‌ی وسیع، امروز با مرکزیت شهر کوهدشت، به حیات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خود ادامه می‌دهد و هم‌اکنون کوهدشت شهری است آباد و فعال که با ایجاد فرمانداری و شهرداری و دیگر تشکیلات دولتی در آن، به‌عنوان شهری از شهرهای استان لرستان، مرکز دادوستد منطقه‌ی طرهان به شمار می‌آید و نیز دارای حدود ۷۵ دهکده بوده است که در دشتی وسیع و حاصل‌خیز و با آب و هوایی معتدل پراکنده و ایجاد شده‌اند.^{۳۱}

دوران اعتلای هنر ایرانی در دوره‌ی عیلامیان، کاسیت‌ها، آشوری‌ها و ساسانیان است و در عوالم باستان‌شناسی، محل شناخته‌شده‌ای است. متأسفانه در گذشته، آثار فراوانی در سرزمین‌های سرطرهان و کوهدشت به دست آمده که بیشتر آن‌ها به‌وسیله‌ی سوداگران یهودی به خارج از ایران فرستاده شده است.^{۳۲}

در کتاب جغرافیای پیشکوه و پشتکوه، که در عهد قاجار توسط نویسنده‌ای ناشناخته نگاشته شده، نیز آمده است که «طرهان جلگه‌ای است محل پنج طایفه‌ی بیجنوند^{۳۳} که متصل به طرهان در طرف غربی لرستان واقع است. از سرطرهان که ابتدای خاک رومشکان^{۳۴}، که مخفف رامشگران است، طول آن هشت فرسخ (۴۸ کیلومتر) و عرض آن از کوهستان خسروآباد تا کنار آب صیمره چهار فرسخ است. جلگه‌ی خود طرهان شش فرسخ دارد و یک فرسخ عرض باقی محل کوه و جنگل است. طوایفی که در آن جا سکنی دارند، قدری طایفه‌ی سوری^{۳۵}، امرایی^{۳۶}، کونانی^{۳۷} (konani)، آدینه‌وند^{۳۸}، گراوند^{۳۹} و قدری از طایفه‌ی مومیوند^{۴۰}، نورعلی و از کوشکی^{۴۱} هم چند خانواری است. محل مزبور کم‌آب است و اکثر زراعت آن‌جا دیم است».^{۴۲}

... عبدالحسین میرزا فرمانفرما، در رساله‌ای که درباره‌ی حدود طبیعی لرستان از خود به جای گذارده است، می‌نویسد: «طرهان عبارت از چند جلگه و محال است که اسامی مختلف دارند و طوایف متعدد از این قرار: طایفه‌ی امرایی، طایفه‌ی سوری، طایفه‌ی گورانی، طایفه‌ی ضرونی، طایفه‌ی آزادبخت، طایفه‌ی بوالی ملکشاه در خاوه است. لکن جزء طرهان محسوبند و روی هم‌رفته، ده هزار خانوار می‌شوند. رؤسا و خوانین طرهان از طایفه‌ی امرایی می‌باشند [و حاکم طوایف مزبور، نظرعلی خان سردار اکرم است]. کلیه‌ی محال طرهان گرمسیر است. بیلاق و قشلاقشان در محل خودشان است. اراضی طرهان بالنسبه به سایر خاک لرستان، کم‌آب است. طرهان در جنوب غربی خرم‌آباد واقع است. از طرفی به آب صیمره، که رود صیمره حد طبیعی میان خاک طرهان و هلیلان و خاک پشتکوه است، و از طرفی، شمالاً به دلفان و چگنی و از طرف شرق به جایدرد محدود است».^{۴۳} تمامی طوایف طرهان و خوانین آن‌ها در تحت اختیار و اقتدار طایفه‌ی امرایی بوده است. چنان‌که حکومت لرستان در امورات این طوایف مداخله ندارد. سابقاً از محل طرهان یک فوج سرباز برقرار بوده، یک فوج هم از طوایف دلفان بوده است [که] از اوایل جلوس ناصرالدین شاه... این دو فوج یک فوج شده [است]^{۴۴}. محل‌های طرهان شامل کوهدشت، کشماهور، گل‌گل و پای‌آستان بوده است. سردار اکرم در پای‌آستان، قلعه‌ی مفصلی در آن‌جا ساخته و چند باغ هم غرس نموده و میوه

اطلاعات عمومی راجع به ایلات عشایر ایران
 عادات و اخلاق سایر ایلات لرستان با جزئی شرح زیر می‌باشد [۱۳۲۵ش].

ردیف	ایل	طایفه	تعداد خانوار	جمعیت	محل سکونت	نام قصبات و دهاتی که محل سکونت دائمی است
۱	طرهان	آقاچان	۱۵۰	۷۵۰	رومشکان	رستم‌آباد
۲	"	سهراب‌وند	۱۶۰	۸۲۰	"	چغابیل
۳	"	نظرعلی‌وند	۱۰۰	۵۱۰	"	نظرعلی‌وند
۴	"	رحمان‌وند	۱۱۰	۵۱۵	"	زاغه
۵	"	بازوند	۱۵۰	۷۵۰	"	عبدل‌بیگی
۶	"	رومیانی	۱۰۰	۵۰۰	"	چغابدر
۷	"	پایروند	۵۰	۲۵۰	—	پادروند (پایروند)
۸	"	خاصی	۱۲۰	۶۰۰	—	اسدآباد
۹	"	خدانظر	۱۵۰	۷۵۰	کوهدشت	قاطرچی
۱۰	"	قره‌لیوند (قرعلیوند)	۱۶۰	۸۰۰	—	دم‌چهل
۱۱	"	عودلی (عبدعلی/ولی)	۱۷۰	۸۵۰	—	[بان‌بدر؟]
۱۲	"	خوش‌نام‌وند	۱۵۰	۷۵۰	—	سرخ‌دم‌لری
۱۳	"	آب‌باریکی	۶۰	۳۰۰	—	باغ‌ذال
۱۴	"	زیودار	۱۷۰	۸۵۰	—	دارگره
۱۵	"	کوشکی امیران	۸۰	۳۵۰	—	امیران
۱۶	"	چهارقلائی	۱۵	۷۵	—	چهارقلعه
۱۷	"	اولادقباد	۱۶۰	۸۰۰	—	ریالی
۱۸	"	گرمه‌ای	۱۲۰	۷۰۰	—	کشماهو (هور)
۱۹	"	مهکی	۳۰	۱۵۰	—	"
۲۰	"	بلورانی	۴۰	۲۰۰	—	مله‌قلندر
۲۱	"	ابوالوفایی	۸۰	۴۰۰	—	ابوالوفا
۲۲	"	بی‌یر [؟]	۴۰	۲۰۰	—	سفیدخانی
۲۳	"	رشنو [؟]	۸۰	۴۰۰	—	کشماهو (هور)

[ادامه‌ی سند]

— اگر در یک نقطه سکونت ندارند، آیا چادرنشینند؟

قبل از هزار و سیصدویست، کلیه‌ی طوایف لرستان دارای ساختمان و دائماً در ساختمان سکونت داشتند و قسمی از آن‌ها با شرایط خاصی جهت علف‌چرانی در فصل پاییز و زمستان کوچ می‌نمودند. بعد از شهریور بیست و مسلح شدن آن‌ها، کلیه‌ی ساختمان‌ها مخروبه، تمام طوایف چادرنشین شده و هر چند روز بنا به وضعیت مراتع تغییر مکان می‌نمایند و ساختمان‌های منطقه‌ی کوهدشت با آجر و خشت، منطقه‌ی کونانی نیز با آجر و خشت ساخته شده و بقیه‌ی ساختمان‌های منطقه، خشتی و مخروبه است.

— شغل هریک از طوایف و صرفه وضعیت خاص

بعلت دیم بودن منطقه‌ی طرهان، اهالی به امید باران، بدون آشنایی به اصول کشاورزی تخم را به زمین پاشیده و به امید خدا واگذار می‌نمایند. به‌طور کلی، صرفه‌ی [حرفه] آن‌ها گلهداری، زراعت، معامله، خریدوفروش گوسفند، قاچاق فروش اسلحه، با دلو و دست آب می‌کشند، مانند زنان حضرت موسی [ع].

— انواع کشاورزی

کشاورزی اهالی جو، گندم، تریاک، نخود، عدس دیم فقط مختص محل آبی منحصر به منطقه‌ی کونانی و تنگ‌میاب و خسروآباد و

باستان‌شناسان معتقدند که به‌طور کل تپه ویرانه‌های ناحیه‌ی طرهان کنونی متعلق به شهری از دوره‌ی ساسانیان است که از آن جمله می‌توان به تپه‌ی چغاسبز و چغابل و زاخه یا زاغه (در رومشکان) اشاره نمود

انفرادی، بیماری‌های حصبه و تب نوبه بوده و معالجه امراض را با [دعا
دواگذاری؟] می‌کنند. تلفات انسانی زیاد می‌باشد. اشخاص مجروح و
تیرخورده را با گذاردن پوست گاو تازه معالجه می‌نمایند. مدت معالجه‌ی
زخم شش ماه تا یک سال.

- آب و هوا

گرم - سرد و معتدل، سایر نقاط طرهان گرمسیر می‌باشند. منطقه‌ی
کوهدشت و رومشکان و کشماهو (هور) معتدل و روزها به علت نبودن
آب و نداشتن باغات و دشت بودن منطقه گرم و شب‌های تابستان
خوب و مناسب است.

- زیان: زیان منطقه‌ی رومشکان و قره‌لی‌ون و عبدعلی (عبدولی) و
حزونی خوشناموند آب‌باریکی^{۳۳} لری

پی‌نوشت‌ها:

۱. برای آگاهی بیشتر در این زمینه، ن.ک: **خاطرات نخستین سپهبد ایران**، احمد
امیراحمدی، به‌کوشش سیروس سعدوندیان، ج دوم، تهران، مؤسسه‌ی پژوهش و
مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳، مقدمه و گزیده‌ی اسناد به بعد...

۲. باستان‌شناسان معتقدند که به‌طور کل تپه ویرانه‌های ناحیه‌ی طرهان کنونی
متعلق به شهری از دوره‌ی ساسانیان است که از آن جمله می‌توان به تپه‌ی چغاسبز
و چغابل و زاخه یا زاغه (در رومشکان) اشاره نمود... ن. ک: مشکوتی، نصرت‌الله؛
«فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران» تهران، نشریه‌ی سازمان ملی...
۱۳۴۹، ص ۲۹۰ و نیز ن. ک: جلییل زاهد، محمدرضا؛ **ایران زمین**؛ تهران، پدیده،
۱۳۴۸، ص ۷۰۶.

۳. ر. ک: **ایزدیناه**، حمید؛ **آثار باستانی و تاریخی لرستان**؛ تهران، انجمن آثار و
مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۶، ج دوم، ص ۲۲۳.

۴. خاتقین نام شهری است از نواحی کردنشین عراق. بین این شهر و قصر شیرین از
طریق جبال، ۳۶ کیلومتر و از قصر شیرین تا حلوان (سرپل ذهاب) نیز ۳۶ کیلومتر است.

۵. مینورسکی، ولادیمیر؛ **سفرنامه‌ی ابودلف در ایران**؛ ترجمه‌ی ابوالفضل طباطبایی،
تهران، فرهنگ ایران‌زمین، ۱۳۴۲، ص ۶۱.

۶. ن. ک: **حمدالله مستوفی؛ نزهة القلوب**؛ به اهتمام و تصحیح: گای لیسترانج،
تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۲، ص ۷۰ و ۷۱.

۷. ر. ک: **بارون دوید؛ سفرنامه‌ی لرستان و خوزستان**؛ ترجمه‌ی محمدحسین آریا،
تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱، ص ۳۹۳.

۸. طوایف لر کوچک قبیایلی بودند مخلوط از کردان آسیای صغیر و لران ایرانی که در حدود
بین عراق عجم و عراق عرب بیلاقی و قشلاق می‌کردند و خراج خود را به دیوان بغداد

حزونی زیودار بقیه‌ی اهالی احشام خود و آب مشروب از چاه تهیه
می‌نمایند. عمق چاه‌ها از دوازده [تا] بیست متر می‌باشد.

- معمولاً غذای افراد چیست؟

نان بلوط مخلوط با آرد جو و گندم (به‌نام کَلگ) نان جو، نان گندم،
نان خورش در فصل بهار دوغ ماست. اگر گوسفندی مریض شود، از
گوشت آن استفاده می‌کنند. اهالی آن مرتباً غذا نمی‌خورند. جو بوداده،
گندم بوداده را با دوغ می‌خورند. آسیاب در محل پیدا نمی‌شود. چراغ
در بین اربابی معمول نیست و پیش از روشنایی آتش استفاده می‌کنند.
چای خوردنی در آفتابه تهیه نموده با خرما و کشمش می‌خورند. زن و
مرد با یکدیگر غذا نمی‌خورند. تنور در تمام طرهان نیست. روزانه نان
خود را با ساج تهیه می‌نمایند. گاو و گوسفند، اسب، مادیان، سگ و
مرغ با صاحب منزل در یک چادر زندگی می‌کنند. یک فامیل که چند
برادر[ند] و اولادهای آن‌ها در یک چادر زندگی می‌کنند.

- آیا لباس افراد را خود تهیه می‌نمایند یا از خارج؟

لباس افراد ایل از خارج تهیه می‌شود. لباس مردان مرکب است از
یک قبای بلند با یک رشته شال، شلوار سفید، کلانمدی که دور آن با
پارچه‌ی آبریشمی می‌چینند. هر شخص بیش از یک دست لباس ندارند
و لباس خود را به هیچ‌وجه نمی‌شورند. موقعی که کاملاً مندرس شد،
بعد از یک سال یا دو سال تعویض می‌نمایند. اطفال آن‌ها غالباً لخت با
پلاس [گلیم، جامه‌ی پشمی] پوشانده و فقط عبانمد (فرجی) را با پشم
خود آن‌ها تهیه می‌نمایند. به‌طور کلی با چهارهزار سال قبل، زندگی
آن‌ها تفاوتی ندارد - وزارت فرهنگ فقط می‌تواند در صورت تقسیم و
تنظیم برنامه‌ی معین - به وضعیت فلاکت‌بار عشایر خاتمه دهد.

- انواع حیوانات که می‌پروراند

گاو و گوسفند، اسب، مادیان - اهالی لرستان به اصول نگهداری احشام
آشنایی نداشته غالباً امراض احشام آن‌ها را به کلی از بین می‌برد. اصلاح
نژاد را اهمیت نمی‌دهند.

- آفات حیوانی و نباتی

امراض بومی حیوانات عبارت است از گلودرد گاو - گوسفند -
خون‌شاشی و زردی گوسفند. گچه و سنبه میش - آفات نباتی سن
پیچ - سرما، تگرگ، گرم‌زدگی - اهالی طرهان ۹۰% مبتلا به تراخم
شدید و امراض انسانی به علت عدم نظافت و عدم توجه به بهداشت

- می‌دادند و کمتر موقعی می‌شد که حاکمی بر خود داشته باشند. تا این که در سال ۵۸۰ ق. شجاع‌الدین خورشید طوایف لر کوچک را تحت امر خود آورد و بر قلعه‌ی معتبر مانرود از قلاع مستحکم لرستان استیلا یافت... برای آگاهی بیشتر، ن. ک: اقبال آشتیانی، عباس؛ **تاریخ مغول و اوایل ایام تیموری**؛ تهران، نشر نامک، ۱۳۷۶، صص ۴۴۸ و ۴۴۹.
۹. در این زمینه، ر. ک: حمدالله مستوفی؛ **تاریخ گزیده**؛ همان، صص ۵۶۱ و ۵۶۲. هم‌چنین بنگرید به: امیر شرف خان بدلیسی؛ **شرفنامه‌ی تاریخ مفصل کردستان...**؛ به قلم محمد عباسی، تهران، مؤسسه‌ی مطبوعاتی علمی، ۱۳۶۴، صص ۵۸ - ۶۰.
۱۰. ن. ک: شهاب‌الدین ابی‌عبدالله الحموی الروسی البغدادی؛ **المعجم البلدان**؛ تهران، منشورات مکتبه‌الاسلامی، ۱۹۶۵، ج سوم، ص ۵۲۵.
۱۱. کوه‌دشت (kūhdasht) (کیدشت). در حال حاضر یکی از شهرستان‌های استان لرستان است. از شمال به شهرستان کرمانشاه و از شمال باختری به شهرستان شیروان و چرداول، از جنوب و جنوب باختری به شهرستان دره‌شهر و از خاور به شهرستان خرم‌آباد محدود می‌گردد... از رودهای محدود شهرستان کوه‌دشت می‌توان از: صیمره - مادیانرود - کشکان نام برد. کوه‌دشت از مجموعه‌ی دشت‌ها و کوه‌ها تشکیل شده و مهم‌ترین کوه‌های آن، عبارتند از: کوه تنگ قلعه - کوه هنجیس - کوه نعل شکسته - کوه سرگلان - کوه غلیف. هم‌چنین دشت‌های کوه‌دشت، دشت میشان، دشت طرهان و دشت برد اسبی، از نواحی مهم حاصل‌خیز این شهرستان به شمار می‌روند. آب و هوای این شهرستان معتدل و نیمه‌خشک است... ن. ک: **فرهنگ جغرافیایی کوه‌دشت**، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ج ۵۷، ص ۳۹۸.
۱۲. ر. ک: حمدالله مستوفی قزوینی؛ **تاریخ گزیده**؛ به سعی و اهتمام ادوارد براون، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۱، صص ۵۶۱ و ۵۶۲. هم‌چنین ن. ک: ابوالحسن علی بن حسین مسعودی؛ **التبیه و الاشراف**؛ ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹، صص ۴۸ و ۳۳۷.
۱۳. ن. ک: ساکی، علی‌محمد؛ **جغرافیای تاریخی و تاریخ لرستان**؛ خرم‌آباد، کتابفروشی محمدی، ۱۳۴۳، ص ۱۱۳.
۱۴. بزَنون یا بیژنوند جزو شاهپوند است که شاخه‌ای از طایفه‌ی میربیک دلفان به شمار می‌آید.
۱۵. رومشکان: به قول اهالی روم اشکن نام دارد. یعنی محلی که رومیان در آن‌جا شکست خورده‌اند. گفته می‌شود در زمان نادرشاه جنگی بین ایرانیان و رومیان (عثمانی‌ها) در این محل صورت گرفت که به شکست رومیان منجر شد.
۱۶. طایفه‌ی سوری از طوایف طرهان و از چهار تیره‌ی خدانظر، خاصی، غَودلی و قره‌لیون (قرعلیوند) تشکیل شده است.
۱۷. طایفه‌ی امرایی شامل تیره‌های بازوند، سهراب‌وند، رومیانی، پایروند، آخه‌جو، رشنو و نظرعلی‌وند است که در رومشکان و طرهان سکونت دارند. این طایفه در اواخر قاجاریه به سرپرستی نظرعلی خان امرایی، بر طوایف رومشکان، کوه‌دشت و دلفان تسلط یافت و از آن روزگار بود که نظرعلی خان، به صورت رقیبی برای والی پشتکوه
- درآمد و مایه‌ی دردسر حکام قاجار شد. ... نفوس آن‌ها ذکور و اناث بیست‌هزار نفر می‌شود و خاک طرهان در انقلابات و غیرانقلابات منظم واحدی قادر نبوده است در خاک او شرارت و دزدی بکند. ن. ک: کمالوند، میرزا محمودخان (و ثوق‌الملک)؛ **«جغرافیای لرستان (قبل از ۱۲۹۹)»**؛ به کوشش سید یدالله ستوده، مجله‌ی **یافته‌ی نو**؛ شماره ۷ و ۸، ۱۳۸۲، ص ۳۶.
۱۸. کونانی یا کورونی از طوایفی است که در دره‌ی کونانی سکونت دارند.
۱۹. آدینه‌وند: از تیره‌های یاری‌وک (یاری‌بک)، بی‌یر، رشنو، ولی‌بک و آدینه‌وند تشکیل شده است که در گرداب بوگردالی (باباگردالی) و چشمه میرزا سکونت دارند.
۲۰. گراوند: شامل تیره‌های خَسکه، علی‌یار، مهر و (مهراب)، نویره و قهرنمه است که در سرطرهان، کُل‌کُل، میشان، کُل‌سُر و خشک‌دره به سر می‌برند.
۲۱. مومیوند نورعلی: اصولاً مومیوند یا مومه‌وند شاخه‌ای از میربیک دلفان است. اما در چند جا از آن به عنوان مومیوند نورعلی یاد کرده است. احتمال دارد آن زمان گروهی از مومه‌وندا در بین نورعلی‌ها به سر برده باشند.
۲۲. کوشکی: این طایفه که نام آن در تاریخ گزیده آمده است، قبلاً در هرو سکونت داشتند. اما در اوایل قاجار املاک آن به تصرف بیژن‌وندا درآمد. طایفه‌ی کوشکی فعلاً در سرطرهان سکونت دارد و تیره‌های آن عبارتند از: تات مَوَن، شهرمیر، میرآخ، برجعلی‌ون و شلووند.
۲۳. برای آگاهی بیشتر، ن. ک: نویسنده‌ای ناشناس؛ **جغرافیای لرستان پیشکوه و پشتکوه (۱۳۰۰ ق.)**؛ به کوشش سکندر امان‌اللهی بهاروند، خرم‌آباد، اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی لرستان، ۱۳۷۰، صص ۷۳ - ۷۵.
۲۴. ن. ک: **گزیده‌ای از مجموعه اسناد عبدالحسین میرزا فرمانفرما (۱۳۴۰ - ۱۳۲۵ ق.)**؛ به کوشش منصوره‌ی آنجادی و سیروس سعدوندیان، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۶، ج دوم، صص ۸۲۴ و ۸۲۵.
۲۵. ن. ک: **نسخه‌خطی جغرافیای تاریخی، اجتماعی و اقتصادی لرستان**، نوشته‌ی میرزا سیدتقی تفرشی، ص ۳۹.
۲۶. ن. ک: میرزا رحیم چاغروند خرم‌آبادی (معین‌السلطنه)؛ **جغرافیای لرستان**؛ به اهتمام ایرج افشار و احمد شعبانی، نشریه‌ی لرستان‌شناسی شقایق، سال ۱، شماره‌ی ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۶، صص ۱۹۱ - ۱۹۳.
۲۷. ر. ک: روستایی، محسن؛ **«ایلات و طوایف لرستان...»**؛ مجله‌ی **شقایق**، شماره‌ی یک، سال اول، ۱۳۷۶، ص ۳۴.
۲۸. ر. ک: بدیعی، ربیع؛ **جغرافیای مفصل ایران**؛ تهران؛ اقبال، ۱۳۶۱، ج اول، ص ۱۰۳.
۲۹. ن. ک: ساکی، علی‌محمد؛ **جغرافیای تاریخی و تاریخ لرستان**؛ تهران؛ اقبال، ۱۳۶۱، ص ۱۱۹.
۳۰. ن. ک: آرشیو س. اسناد ملی...، کد سند ۵۱۰۰۷ - ۱۳۷۸.
۳۱. همان؛ و نیز ن. ک: فرهنگ جغرافیای کوه‌دشت، ص ۳۹۹.
۳۲. ن. ک: آرشیو س. اسناد ملی...، کد ۱۱۲۰۰۸ - ۱۱۷.